

## آیا این جهان ازلی است؟

✱ استدلالات مادیها بر ازلی بودن جهان

✱ اختیارات علوم تجربی

✱ قوانین علوم طبیعی دلیل روشنی بر حدوث جهانند

✱ ✱ ✱

آنچه هر دانشمند و محقق را نسبت بنسب مادیها و طبیعیها در بحثهای مربوط بخدا - شناسی بدین میکند اینست که آنها در استدلالات خود برای انکار خداوند بکمترین دلیلی قانع میشوند حتی بسیار میشود که تنها با احتمالات قناعت میکنند ، اما در مورد استدلالات «خداپرستان» چنان وسوسه و سختگیری بفرج میدهند و با احتمالات مستی از نتایج قطعی آن میگریزند که انسانرا بیاد « سوفیست‌ها » (سوفسطائیان) یونان قدیم میاندازد . مادیها معتقدند این جهان ازلی است ؛ همیشه بوده و طبعاً همیشه هم خواهد بود (اگر چه تغییراتی در صورت آن پیدا شود ) دلیلی که برای این موضوع اقامه کرده اند اینست که :

۱ - ممکن نیست جهان از «عدم» بوجود آمده باشد زیرا وجود و عدم دو نقطه مقابل یکدیگرند ؛ چگونه ممکن است یکی بدیگری تبدیل شود ؟ !

۲ - علوم طبیعی امروز تبدیل «وجود» را به «عدم» و «عدم» را به «وجود» انکار میکند ، زیرا در مشاهدات و تجربیات علمی هرگز دیده نشده چیزی از عدم بوجود آید یا چیزی نابود مطلق شود ، بلکه هر چه دیده میشود تغییرات صوری است .

۳ - هر حادثه‌ای باید در زمان و مکانی واقع شود ، اگر قبول کنیم که قبلا جهانی

وجود نداشته ، این جهان در چه زمان و مکانی بوجود آمده است ؟  
در پاسخ قسمت اول این استدلال در شماره گذشته باندازه کافی سخن گفتیم ، اکنون  
موقع این رسیده که قسمت دوم استدلال را مورد بررسی قرار دهیم :



### اختیارات علوم تجربی

قبل از هر چیز توجه باین نکته لازم است که مشاهدات و آزمایشهای علمی تنها میتواند  
ما را از «یافتن» و «نیافتن» چیزی باخبر کند نه از «نبودن» یا «محال بودن» آن ؛  
این حقیقت را در ضمن مثالی میتوان بخوبی دریافت :

علوم تجربی کنونی مؤکداً میگوید : موجودات جاندار باید حتماً از موجودات جاننداری  
بوجود آیند ، زیرا آزمایشهایی که تا کنون در این قسمت بعمل آمده با صراحت میگوید :  
هنوز دیده نشده موجود زنده ای از موضوع بیجان بوجود آید . اما آیا چنین چیزی (بوجود  
آمدن موجود جاندار از بیجان) اصلاً امکان ندارد و جزء محالات است ؛ هیچگونه دلیلی  
بر آن نمیتوان یافت ، آنچه مسلم است اینست که در « شرایط کنونی » و تا آنجا که  
مطالعه و تجربه بعمل آمده چنین چیزی تا کنون روی نداده است ، اما در هیچ نوع شرائطی  
چنین چیزی روی نخواهد داد ، مسلم نیست .

بلکه بعکس ، مطالعات علمی بما میگوید این موضوع حتماً امکان دارد ، زیرا  
بفرض اینکه ماده دنیا قدیم و ازلی باشد ، حیات و زندگی قطعاً حادث است ؛ چون دورانیهای  
بر کره زمین و سایر کرات آسمانی گذشته که همه چیز بحالت «مذاب» با حرارت فوق العاده  
ذبادی بوده ، بدیهی است در آن موقع اثری از حیات و زندگی نبود . لابد حیات پس از  
سرد شدن و تعدیل حرارت در شرائط خاصی بوجود آمده که اگر بتوانیم ما آن شرائط را  
تجدید کنیم ممکن است باین منظور یعنی بدست آوردن موجودات جاندار از بیجان  
ناائل گردیم .

اما اینکه بعضی ها برای باز کردن این ایراد از سر خود میگویند حیات از کرات دیگر  
بکره زمین آمده ، تنها برای سرگرمی و فراد از حقیقت خوبست زیرا کرات دیگر هم  
طبق موازین علمی امروز در زمانی حالتی مشابه زمین ما داشته است .

حتی ما بجرأت نمیتوانیم بگوئیم در شرائط کنونی زمین نیز پیدایش حیات  
بهیچوجه امکان ندارد ، اگر امکانات فعلی اجازه چنین چیزی را نپسندد پس چرا دانشمندان

هر روز در آزمایشگاهها دستبازمایش جدیدی برای ساختن «سلول زنده» میزنند؛ اینها همه نشانه اینست که پیدایش موجود زنده را - علیرغم آزمایشها و تجربیاتی که تا کنون شده - از موجودات بیجان ممکن میدانند.

بهر حال منظور اینست که علوم تجربی امروز هرگز نمیتواند يك قانون کلی و عمومی و همیشگی که در تمام موارد و هر گونه شرایطی صحیح باشد، بدست بدهد، بلکه همواره در شرایط و اوضاع خاصی میتواند قضاوت نماید.

مادر جهان پهناور آفرینش مانند افرادی هستیم که بر زورقی سوار شده و روی يك شط عظیم و بیکرانی همراه سیر آب در حرکت باشند، سر نشینان این زورق ممکن است درباره امواج و آبهای که زورق را در بر گرفته و با خود میبرد مطالعه ای داشته باشند، اما بدیهی است که قضاوت آنها فقط در حدود منطقه آزمایش آنها صحیح است و هرگز نمیتوانند درباره سراسر آن شط بیکران و سرچشمه و پایان آن قضاوت نمایند.

خلاصه اینکه برای بحث و مطالعه درباره ابتدایا انتهای جهان خلقت ماهیج راهی جز استدلالات عقلی و فلسفی نداریم، اما بدبختانه از آنجا که علوم طبیعی امروز هنر - نمائیهائی در زمینه صنعت و زندگی روزمره کرده و از این رهگذر موقعت شایانی در بین علوم حاصل نموده، چنان افکار عده ای را مسحور خود ساخته که بعضی میخواهند همه چیز را با مقیاسهای آن بسنجند، گویانکه از حدود موضوع و استدلالات آن بکلی کنار باشند و کمترین ارتباطی با آن نداشته باشند.

پژوهشگاه علم اینان با فعالیت فرهنگی

این دانشمند طبیعی برای حادث بودن جهان استدلال میکند.

اگر بنا باشد ما با قوانین علوم تجربی امروز بتوانیم برای گذشته و آینده جهان استدلال کنیم در میان آن دلائلی دیده میشود که بخوبی میتوان بوسیله آنها حادث بودن جهان را اثبات کرد.

از جمله « کارول کالینس » دانشمند معروف شیمی دان عصر ما باتکاء قانون دوم « ترمودینامیک » (حرارت و نیرو) استدلال جالبی برای حادث بودن جهان کرده که ذیلا از نظر خوانندگان گرامی میگذرانیم:

«شکی نیست که حرارت در تمام اجسام جهان پکسان نیست و همین اختلاف حرارت موجب حرکت و جنب و جوشی است که در عالم دیده میشود. از طرفی میدانیم که روز بروز

این اختلاف حرارت کمتر شده و موجودات گرمتر حرارت خود را به موجودات سردتر می‌رسانند. در حقیقت موجودات جهان حکم ظروف بهم پیوسته‌ای را دارند که مایعی در آنها، در سطوح مختلفی، باشد. بدیهی است در این حالت جنبه‌جویی در این ظروف پیدا می‌شود و پیوسته آب‌های اضافی از یک ظرف به طرف دیگر در جریان خواهد بود تا اینکه مایع مزبور در تمام ظروف در یک سطح قرار گیرد، اینجاست که خانه‌وشی مطلقاً در سرتاسر آن حکمفرما می‌شود.

بنابر این روزی فرا خواهد رسید که حرارت در تمام موجودات جهان یکسان خواهد شد و طبیعتاً سکون و سکوت مطلق و وحشتناکی همه‌جا را فرا خواهد گرفت. اکنون اگر ماقبول کنیم جهان ابتدائی نداشته و بی‌نهایت زمان بر آن گذشته است باید این موضوع تا کنون صورت گرفته باشد زیرا این مدت نامحدود بطور مسلم برای این موضوع کافی بوده است. نتیجه اینکه وضع کنونی جهان دلیل روشنی است بر اینکه جهان ازلی نیست و ابتدائی داشته است «این بود خلاصه استدلال «کارول کالیتس» ولی همانطور که در بالا اشاره شد اینگونه استدلالات در صورتی صحیح است که ما بتوانیم از قوانین علوم تجربی امروز برای گذشته و آینده جهان استدلال کنیم، اما حق اینست که این قوانین مولود آزمایش‌هایی است که در شرائط خاصی صورت گرفته و برای غیر این محیط قابل استدلال نیست.

## اینهم رهبران جهاد آزاد!

«... حتی در خود و اشنگتن هم محله‌هایی هست که صاحبان خانه‌های آنجا خانه‌ها و منزل‌های خود را به «سیاه پوستان» اجاره نمیدهند»!

( نقل از نوشته‌های لئون ذی‌ترو )

در سلسله مقالات امریکای بی‌نقاب

مکتب اسلام البته این یک نمونه از هزاران مصداق تبعیضات زنده زوادی دردنیای متدن است! از مقایسه این وضع با تعلیمات اسلامی، رمز آسانی بودن آن تعلیمات بخوبی روشن میگردد!